

The Effect of Philosophy for Children Curriculum on the Growth of Students' Creativity

Setare Kanani Harandi^{*}, Mohammad Nourian^{**}

Dariush Noroozi^{***}, Mahmood Abaei Koopaei^{****}

Abstract

The purpose of this study was to determine the effect of implementing a philosophy for children curriculum on the growth of students' creativity. The statistical population of the study included fifth grade elementary female students in district 19 of Tehran, of whom 56 were selected by convenience sampling and then divided into experimental and control groups. The experimental group was trained in a philosophy for children curriculum in 16 sessions. Due to the fact that the research design was a pretest-posttest one with a control group, the creativity measurement instrument was implemented twice before and after the presentation of the philosophy for children curriculum. The data obtained from pretest and posttest were analyzed using analysis of covariance. The findings of the study indicated the favorable effect of research intervention on creativity and its subscales. In other words, the findings indicate that the philosophy for children curriculum has increased the level of learners' creativity and its components, i.e., flexibility, initiative, expansion, and fluidity, in the experimental group compared to the control group.

Keywords: Creativity, Components of Creativity, Philosophy for Children, Curriculum.

* PhD Student of Curriculum Planning, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, harandi21276@gmail.com

** Associate Professor, Department of Educational Management and Planning, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author), mnouraian2001@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Educational Technology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, drdnoroozi@gmail.com

**** Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, m_abaeikoopaei@azad.ac.ir

Date received: 20/03/2021, Date of acceptance: 02/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر رشد خلاقیت دانش آموزان

ستاره کنعانی هرندی*، محمد نوریان**

داریوش نوروزی***، محمود عبایی کوپایی****

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تعیین تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر رشد خلاقیت دانش آموزان بوده است. جامعه آماری پژوهش، دانش آموزان دختر پایه پنجم مقطع ابتدایی منطقه نوزده آموزش و پرورش شهر تهران بودند که از بین آنها ۵۶ نفر به روش نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و سپس در دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. گروه آزمایش با برنامه درسی فلسفه برای کودکان طی ۱۶ جلسه تحت آموزش قرار گرفتند. با توجه به اینکه طرح تحقیق پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه بود، ابزار اندازه گیری خلاقیت در دو نوبت قبل و بعد از ارائه برنامه درسی فلسفه برای کودکان اجرا شد. داده های حاصل از پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش حاضر حاکی از تأثیر مطلوب مداخله پژوهش بر خلاقیت و خرده مقیاس های آن داشت. به عبارتی یافته های پژوهش حاضر مبین آن است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان میزان خلاقیت

* دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران،

Harandi21276@gmail.com

** دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، Mnouraian2001@yahoo.com

*** دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، drdnoroozi@gmail.com

**** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران،

m_abaeikoopaei@azad.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

فراگیران و مولفه‌های آن یعنی انعطاف پذیری، ابتکار، بسط، سیالی را در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه را افزایش داده است.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، مولفه‌های خلاقیت، برنامه درسی فلسفه برای کودکان.

۱. مقدمه

امروزه بسیاری از نظام های آموزشی دنیا با توجه به تغییرات وسیعی که در جوامع بشری روی می دهد کارایی مطلوبی ندارند و باید با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه جدید، مورد تجدید مهندسی و تجدید ساختار قرار گیرند (جلالی، عباسی، ۱۳۸۳: ۴۱-۲۳). به همین سبب پاول هرست و پاتریشیا وایت (Paul Hirst & Patrieia Tenopyr) معتقدند که وظیفه مراکز تربیتی، پرورش مهارت های فکری در فراگیران است و برنامه ریزان درسی باید طراحی برنامه های درسی خویش را به تعامل پویا بین معلم و فراگیران در کلاس درس معطوف ساخته و روش های موثرتری را برای کمک به یادگیری تفکر و مهارت های فکری در فراگیران معرفی نمایند (هاشمی مقدم، ۱۳۸۷: ۵۸-۳۹). در همین راستا برای توانمند ساختن کودکان برای مواجهه با مسایل جهان کنونی و حل مسائل احتمالی در آینده باید اقدام به اصلاح نظام آموزشی حافظه مدار نمود (صباغ حسن زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۹). زیرا یادگیرندگان به دانشی نیاز دارند که خود، آن را تولید - بازتولید نمایند و مهارت های ویژه ای کسب نمایند که بر اساس آن ها بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند و آنچه که مسلم است رسالت و هدف اصلی تعلیم و تربیت، آموزش و بارآوردن افرادی است که به ماحصل تفکر دیگران اکتفا نکنند بلکه از طریق تحقیق و بررسی نظرات مختلف، خود گزینش گر گفته ها باشند (کدیور، ۱۳۸۴: ۶۹). تحقیقات والاک و کوگان (Walk & kogun, 1965) و آندرسون و کروپلی (Anderson & Croply, 1996) نیز بر این امر اذعان دارند که توجه گسترده به محیط سبب می گردد که فرد همزمان با عناصر گوناگون درگیر شود و به درک وسیع تر مسایل، کسب تجارب متعدد و اندیشه، راهکارها و مفاهیم غیر معمولی دست یابد که این امر عاملی موثر در رشد خلاقیت فرد می باشد. کاساکین و کریتلر (Casakin & Kreitler, 2011:159-168). پارکر (Parker, 2008) معتقد است اصطلاح خلاقیت به آن دسته از فرآیندهای ذهنی دلالت دارد که به راه حل ها، ایده ها و مفهوم سازی ها، اشکال هنری، نظریه های منحصر به فرد و جدید منجر می شود به نظر استین (Stein) نیز خلاقیت نتیجه آن یک اثر شخصی ست که

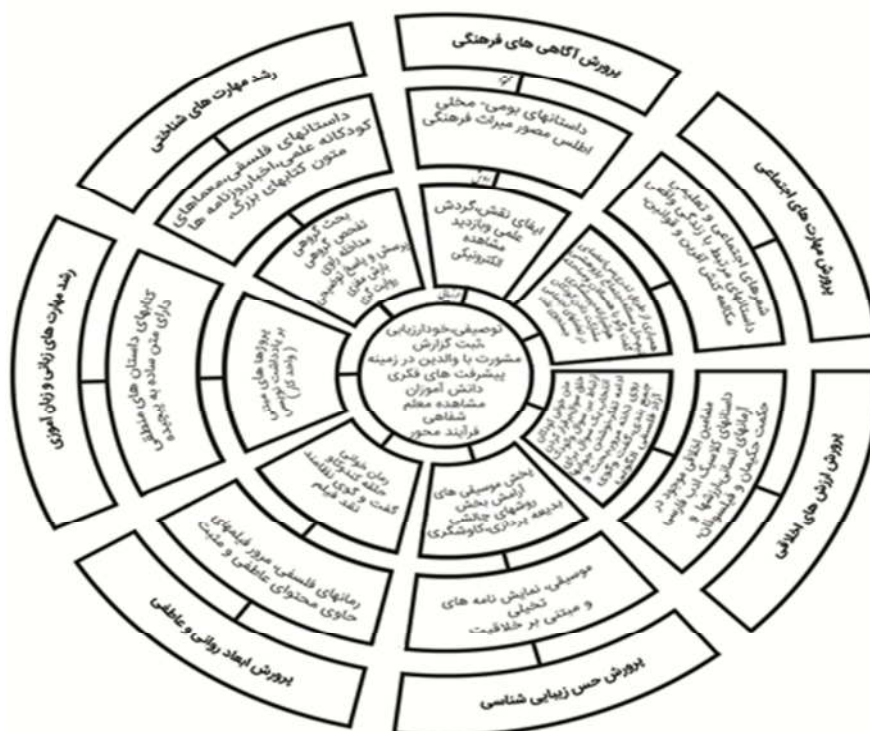
تأثیر برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان ... (ستاره کنعانی هرنیدی و دیگران) ۲۰۷

این نتیجه توسط گروهی اجتماعی در یک برهه زمانی، به عنوان چیزی مفید و ارضا کننده پذیرفته می‌شود (اسدی، ۱۳۸۹: ۸۶) و از سویی دیگر به نظرتورنس (Torrance, 1989) خلاقیت همان فرآیند حل کردن مشکلات و مسائل و اطلاعات و عناصر گم شده، چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه سازی، ارزیابی حدس‌ها و فرضیه‌ها و تجدید نظر کردن دوباره و آزمون نمودن آنها و بالاخره انتقال نتایج می‌باشد. به زعم متخصصین آموزشی هم چون تورنس چهار مولفه را می‌توان مطرح کرد که شامل ابتکار (تازگی یا اصالت): یعنی استعداد تولید ایده‌های نو و ناب (دست اول). سیالی (روانی): یعنی استعداد تولید ایده‌های فراوان در یک زمان. بسط (گسترش): یعنی استعداد توجه به جزئیات. انعطاف‌پذیری (نرمش): یعنی استعداد تولید ایده‌ها یا روش‌های بسیار گوناگون و غیرمعمول (Einon, 2002:114-119)

طی تحقیقات انجام شده به منظور بهبود خلاقیت و خرده مولفه‌های آن از جمله اوکتاویان (Octavian, 2016) طی پژوهشی بر این امر اذعان داشته که بهره‌گیری از فلسفه برای کودکان (Philosophy for Children)، ابزار ایده‌آل برای تحریک مهارت‌های تفکر است. این برنامه را لیمن (Lipman) در اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح نمود که به تدریج به شکوفایی و تکامل خود رسید (قائدی، ۱۳۹۵: ۳۵). وی بنا به درک ضرورت ورود فلسفه به آموزش کودکان و تأثیرات آن در پرورش افراد خلاق برنامه‌ای را با عنوان "برنامه درسی فلسفه برای کودکان" مطرح نمود. او به عنوان بنیان‌گذار برنامه درسی فلسفه برای کودکان معتقد است اگر ذهن کودک درگیر مباحث فلسفی شود می‌تواند نحوه تفکر و خلاقیت او را رشد یابد. زیرا ذهن کودک به سوی کوشش در جهت پاسخ‌گویی به نیاز و اشتیاقی با معنا سوق می‌یابد (Lipman, 2003). این آموزش می‌تواند در قالب گفتگو پیرامون داستان‌های فکری برای کودکان صورت پذیرد (Fisher, 1998). این مطالعات و تحقیقات انجام شده نیز مبین آن است که برای تقویت توانایی‌های ذهنی و استدلالی، فلسفه برای کودکان از جمله برنامه‌هایی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان افکار پیچیده خود را شکل دهند. زیرا با اهداف شناختی فلسفه برای کودکان می‌توان ذهن را وادار به تفکر اصولی و تعامل ساختاری نمود و در جهت پرورش مشارکت منظم و پرورش خودآگاهی آنان گامی موثر برداشت. بنابراین به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از این برنامه قوه استدلال، تفکرات انتقادی و خلاقانه کودکان افزایش می‌یابد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶-۱۹). این برنامه می‌تواند در قالب گفتگو پیرامون داستان‌های فکری برای

کودکان با موضوعاتی چون حقیقت، خیر، واقعیت، زیبایی، تجربه، تربیت محیطی، زبان و هنرها، تربیت اخلاقی، تفکر و منطق، تربیت اخلاقی و مطالعات اجتماعی صورت پذیرد (Fisher, 1998) و همچنین گفتگویی در قالب « حلقه کندو کاو» (community of inquiry) با تعدادی از کودکان که آنان بر اساس علائق و گرایش های فردی خود و به شیوه ای دلخواه و آزاد به طرح موضوعاتی برگرفته از جامعه و زندگی روزمره می پردازند (ستاری، ۱۳۹۵: ۷۴). نتایج تحقیقات انجام شده هم چون ورلی (Worley, 2016:119-120) مبین آن است که برنامه فلسفه برای کودکان می تواند راه حلی مؤثر در جهت رشد و بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی، پرورش درک اخلاقی و ارزش های هنری، پرورش شهروندی و رشد روابط میان فردی فراگیران باشد. به نظر سجادیان و همکاران (۱۳۹۳: ۸۰-۶۳) نیز برنامه درسی فلسفه برای کودکان باعث ایجاد قابلیت انعطاف پذیری در مواجهه با مسائل می گردد. رستمی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۳-۱) طی پژوهش دریافتند بازگویی داستان هایی مبتنی بر فلسفه بر بهبود خلاقیت و خرده مولفه های آن مؤثر است. و همچنین به نظر ویستر و هیگز (Venter & Higgs, 2014:11-16) نیز با آموزش فلسفه در کلاس درس به دانش آموزان می توان در جهت رشد تفکر انتقادی و خلاق گامی مؤثر برداشت.

برای بهره گیری از فلسفه برای کودکان در آموزش مدرسه ای که عبارت از بازتولید دانش و ارزش های برجسته برای تعالی فراگیران است می بایست برنامه درسی طراحی گردد (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۶: ۵۸). زیرا با توجه به نتایج تحقیقات رضایی و همکاران (۱۳۹۳: ۳۶-۱۹)، پورتنقی (۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۴)، هاشمی (۱۳۹۱: ۹۸-۹۱) و رستمی (۱۳۹۱: ۶۵-۴۹) برنامه درسی دوره ابتدایی حاضر نه تنها اندیشیدن، پرسیدن و با هم اندیشیدن را در کودکان ارتقاء نداده بلکه توانایی کسب خلاقیت برای حل مسایل مختلف را نیز در آنها ایجاد ننموده است. از همین روی باید برنامه درسی را طراحی نمود که این قابلیت ها را در کودکان پرورش و رشد دهد. در همین راستا به منظور تحقق فلسفه برای کودکان در آموزش مدرسه ای به منظور رشد تفکر خلاق الگوی برنامه درسی فلسفه برای "اهداف"، "محتوا"، "روش های یاددهی - یادگیری"، "روش های ارزشیابی" و هشت مولفه مرتبط با عنصر زمینه ای "محیط آموزشی" طراحی گردید.



شکل ۱. الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان

شکل (۱) الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان است که توسط نوریان و کنعانی (۱۳۹۸: ۱۱۰) طراحی شده است. برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان باعث رشد مهارت‌های شناختی از طریق درگیر نمودن ذهن یادگیرندگان در فرآیند یادگیری و تفکر پیرامون امور طرح شده می‌شود تا بدین ترتیب زمینه بهبود توانایی تعقل، فکر کردن، طبقه‌بندی، کشف روابط، اندیشه‌ورزی، رشد تفکر انتقادی، افزایش اعتماد به نفس، استدلال مفهومی فراهم آید (امیریان، ۱۳۹۶؛ D'Olimpio & Teschers, 2016:114-124) هم‌چنین پرورش مهارت‌های اجتماعی به منظور رشد قدرت تصمیم‌گیری، بهبود روابط میان فردی، نظم و مسئولیت‌پذیری، مشارکت در کارهای گروهی را تحقق می‌بخشد (Barrow, 2010: 61-69؛ قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۳۸). برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان به پرورش حس زیبایی‌شناسی به معنای پیوند زدن اندیشه و احساس در کودک و رشد قدرت تخیل در کودک می‌انجامد (Bialystok, 2017: 827-836). پرورش ارزش‌های اخلاقی هم‌چون رعایت

احترام به حقوق دیگران، چگونگی قضاوت درباره عقاید و رفتارها و توجه به چگونگی برخوردها در هنگام مواجهه با قضاوت های انجام شده را موجب می شود (Gorard, 2017:5-22). رشد مهارت های زبانی و زبان آموزی از طریق گفتگوهای گروهی و بازی های دسته جمعی به اشتراک گذاری آداب و رسوم و خصلت های فرهنگی را باعث می شود (Green and Condry, 2016:1-8؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۱). محتوای این برنامه درسی می تواند شامل داستان های فلسفی باشد که بخش زیادی از آن ها صرف بحث در خصوص سؤالاتی می شود که معمولاً در یک مبحث استدلالی طرح می شوند (قائدی، ۱۳۹۵: ۵۹). اخبار روزنامه ها و مجلات نیز محتوایی دیگر است که برای تقویت رشد شناختی کودکان پیشنهاد می شود که البته به روز بودن، کوتاه بودن و عامیانه بودن ویژگی هایی است که اخبار روزنامه ها باید داشته باشند تا بتوان به تفکر نظام یافته و تحلیل هدفمند کودکان کمک نمود (قائدی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۸۳) و آنچه مسلم است بهره گیری از متون کتاب های بزرگ از جمله داستان های قرآنی، شاهنامه، کلیله و دمنه و ... در این زمینه بسیار مفید می باشند (ستاری، ۱۳۹۵: ۱۱۸). البته توجه به پیشنهاد موریس (Murriss, 2016:63-78) یعنی استفاده از داستان های مرتبط با زندگی واقعی نیز حائز اهمیت است. برای اجرای هر چه بهتر این برنامه درسی نیز می توان از روش های تدریس بحث گروهی، تفحص گروهی، مداخله راوی، پرسش و پاسخ، بارش مغزی، حل مسئله، حلقه کندوکاو و مباحثه هوشیارانه استفاده نمود (تاجداری، ۱۳۹۵: ۸۹؛ Kottalil, 2009:315-327). به منظور تعیین پیشرفت های فکری دانش آموزان می توان از روش های ارزشیابی هم چون مشاهده معلم از عملکرد دانش آموزان، توجه به نحوه بیان توضیحات شفاهی و کتبی آنان پیرامون مطالب طرح شده، توجه به نحوه تعاملات و همکاری دانش آموزان با سایرین و خود ارزیابی بهره گرفت. در این برنامه درسی مربی مقایسه کمی بین کودکان بعنوان ملاک خود قرار نمی دهد بلکه با استفاده از روش های توصیفی در ارزشیابی می توان اطلاعات لازم را با بهره گیری از ابزارهای مختلف درباره میزان تلاش ها، پیشرفت ها، موفقیت ها و مشارکت فعال کودک را جمع آوری نمود و با طبقه بندی، تحلیل و تفسیر اطلاعات به کودک می توان کمک نمود تا بهتر یاد بگیرد و مشکلات یادگیری خود را برطرف کند (موسی پور، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

اکنون با طراحی این الگو مسئله تحقیق این است که آیا اجرای آموزش بر اساس الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان تاثیری در خلاقیت فراگیران در یادگیری دارد؟

تأثیر برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان ... (ستاره کنعانی هرندی و دیگران) ۲۱۱

بر همین مبنا پژوهش حاضر صورتبندی گردید و سوالاتی نیز برای آن در نظر گرفته شد و به مرحله اجرا در آمد.

۱.۱ سوال اصلی پژوهش

۱. آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟

۲.۱ سوالات فرعی پژوهش

۱. آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟
۲. آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر ابتکار دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟
۳. آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر بسط دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟
۴. آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر سیالی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش تجربی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه گواه و آزمایش می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مقطع ابتدایی منطقه ۱۹ آموزش و پرورش تهران می‌باشد. انتخاب پایه پنجم دوره ابتدایی به این دلیل است که دانش‌آموزان بزرگ‌تر، از توانمندی‌های بیشتری در تفکر انتزاعی برخوردار می‌باشند. هر چند پایه ششم بالاترین پایه دوره ابتدایی است اما در پایه ششم درسی به نام تفکر وجود دارد که می‌توانست به عنوان متغیر مزاحم نتایج تحقیق را خدشه‌دار کند. به روش نمونه‌گیری در دسترس (Convenience sampling) ۵۶ نفر از دانش‌آموزان یک مرکز آموزشی به عنوان نمونه انتخاب و سپس ۲۸ نفر با شماره فرد در گروه گواه و ۲۸ نفر با شماره زوج در گروه آزمایش قرار گرفتند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس استاندارد سنجش خلاقیت تورنس تصویری با چهار خرده‌مقیاس سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری استفاده شد. این آزمون شامل سه فعالیت تصویرسازی، تکمیل تصویر و تصاویر تکراری است. زمان پاسخ‌گویی برای این آزمون در مجموع ۴۵ دقیقه است که ۱۵ دقیقه آن جهت توضیح دستورات عملی و ۳۰ دقیقه جهت انجام سه فعالیت (هر فعالیت ۱۰ دقیقه) است. در نمره‌گذاری این آزمون بر مهارت عالی در نقاشی یا ترسیم تأکید نمی‌شود. آنچه ملاک

ارزیابی است، وجود ایده در هر تصویر است. کیفیت هنری ترسیم، ملاک ارزیابی نیست. بنابراین، به هر تصویری که نشان دهنده تفکر خلاق باشد، در ارزیابی امتیاز تعلق خواهد گرفت از این رو، با داشتن حداقل مهارت در ترسیم، آزمودنی قادر خواهد بود در این آزمون عملکردی متوسط تا خوب داشته باشد. در پایان هر فعالیت از آزمودنی درخواست می شود عنوان یا داستانی برای ترسیم خود بیان کند. این عنوان یا داستان در روشن نمودن و توضیح ایده آزمودنی کمک کننده خواهد بود. در فعالیت تصویرسازی، ترسیم بر مبنای عناصر ابتکار (غیر معمول و نادر بودن پاسخ های ارائه شده در قالب تصویر) و بسط (توانایی اضافه کردن جزئیات به تصویر) ارزیابی می شود در فعالیت تکمیل تصاویر، ترسیم ها بر مبنای عناصر سیالی (تعداد پاسخ های ارائه شده در قالب تصویر)، انعطاف پذیری (توانایی تولید انواع گوناگون و متنوع پاسخ ها در قالب تصویر)، ابتکار و بسط ارزیابی می گردد در فعالیت تصاویر تکراری، ترسیم ها بر مبنای انعطاف پذیری، ابتکار، بسط و سیالی برای هر تصویر کامل شده ارزیابی می شود (Torrance, 1974). تورنس ضریب اعتبار این آزمون را $0/86$ تا $0/99$ گزارش کرده است. در زمینه ضریب اعتبار، گوراسکی (Goralski, 1964) ضریب بازآزمایی را با یک فاصله ۱۰ هفته ای برای سیالی $0/82$ ، انعطاف پذیری $0/78$ ، ابتکار $0/59$ و کل آزمون $0/83$ گزارش کرده است. در نمونه ایرانی پیر خائفی (۱۳۷۲) ضریب اعتبار $0/80$ را در فاصله زمانی دو هفته ای به شیوه بازآزمایی بر روی ۴۸ دانش آموز به دست آورده است. وی این ضریب را در عناصر سیالی $0/78$ ، در ابتکار $0/74$ ، در انعطاف پذیری $0/81$ و در بسط $0/90$ بیان نموده است. ضریب پایایی آزمون خلاقیت تورنس برای هر یک از مولفه های خلاقیت از روش تصنیف و آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج هر یک از عوامل چهارگانه بسط $0/65$ ، اصالت $0/97$ ، سیالی $0/86$ ، انعطاف پذیری $0/97$ ، بیان گردید.

۳. چگونگی اجرای آموزش فراگیران

به جهت بهره گیری از طرح تحقیق تجربی پیش آزمون - پس آزمون، ابتدا نمونه های پژوهش به صورت تصادفی در دو گروه گواه و گروه آزمایش قرار گرفتند. پس از آن به اجرای آزمون تورنس جهت سنجش خلاقیت در یادگیری در هر دو گروه پرداخته شد. بدین ترتیب اطلاعات مورد نیاز تحقیق جهت پیش آزمون جمع آوری گردید. سپس به طور همزمان هر دو گروه آزمایش و گواه به مدت ۱۶ جلسه ۶۰ دقیقه ای تحت آموزش

تأثیر برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان ... (ستاره کنعانی هرندی و دیگران) ۲۱۳

قرار گرفتند. با این تفاوت که گروه آزمایش با طرح درسی متناسب با برنامه درسی فلسفه برای کودکان که توسط نوریان و کنعانی (۱۳۹۸: ۹۰) طراحی شده تحت آموزش قرار گرفتند ولی گروه گواه در فعالیتهای مشابه نظیر خواندن داستان، شنیدن موسیقی، بازدید گروهی، تماشای فیلم و خواندن شعر شرکت داده شدند و از محتوا و روش برنامه درسی فلسفه برای کودکان بی بهره بودند.

در جدول شماره (۱) برنامه درسی که دانش آموزان بوسیله آن تحت آموزش قرار گرفتند به شرح زیر ارائه می گردد:

جدول ۱. شرح جلسات آموزش برنامه درسی فلسفه برای کودکان برای رشد خلاقیت آنان

ردیف	برنامه آموزشی	زمینه بحث	هدف کلی	روش تدریس
۱	پیش آزمون و قانون گذاری	معارفه و بیان هدف از جمله تشریح نقش تسهیل گر و دانش آموزان در فرایند آموزش	آشنا کردن دانش آموزان با کلیات طرح و وضع قوانین کلاسی با مشارکت دانش آموزان	سخنرانی و پرسش و پاسخ
۲	ارائه داستان شاگرد جادوگر از کتاب میشل پیکمال باعنوان داستان های فلسفی جهان و نیز خوانش خبری از یک روزنامه محلی	استدلال کردن از طریق نگریستن دقیق به موقعیت ها و درک عمیق روابط کمک به استفاده از پدیده های فکری/ذهنی سطح بالا	رشد مهارت های شناختی	روایت گری بحث گروهی مداخله راوی پرسش و پاسخ
۳	ارائه داستانی کوتاه از زندگی حضرت یونس در شکم ماهی و داستان کیومرث از شاهنامه و نیز طرح یک معمای علمی کودکانه از کتاب چیستان کودک و نوجوان بهنام قربانی به نام حلزون	تقویت استقلال در تفکر و اندیشیدن تجزیه و تحلیل مسائل از طریق توصیف مطلوب پدیده ها و و رساندن کودکان به ایده های جدید		
۴	خواندن شعر گُرَب گُرَب از افسانه شعبان نژاد و نیز یکی	آشنایی با افراد پیرامونی و نحوه تعامل با آنان	پرورش مهارت های اجتماعی	همیاری از طریق تدریس اعضای تیم

حل مسئله گفتگو با همسالان و مباحثه هوشیارانه پرسش‌گری		رسیدن به راه حل‌های چندگانه برای مسائل	از داستان‌های اجتماعی جان لینگ که برای آموزش مهارت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد	۲۰ ع
		تصمیم‌گیری در مورد رفتارهای اجتماعی و ارائه فرضیه‌هایی در مورد پیامدهای این رفتارها	ایجاد شرایطی برای انجام مکالمه کنش‌آفرین در مورد کنترل احساسات و نه گفتن به دیگران ذکر برخی از مواد اجتماعی موجود در فصل سوم قانون اساسی	
		استفاده از تجربه‌های مستقیم		
بدیعه پردازی کاوشگری	پرورش حس زیبایی‌شناسی	ابراز تخیل از طریق برانگیخته کردن قوه خیال و به هیجان آوردن نفس	پخش موسیقی محلی از اقوام ایرانی موسیقی	۲۱ ع
		هم‌زاد پنداری با شخصیت‌های داستان	اجرای نمایش نامه شیر و خرگوش باهوش از کلیده‌ودمنه	۲۲ ع
		توانایی دیدن چیزها در یک نظر نو و غیرمعمولی		
متن خوانی کودکان خلق سؤال برقرارکردن ارتباط بین سوال و کودک انتخاب یک سؤال برای ادامه تفکر و بحث پاسخ دادن کودکان به سؤال‌ها نوشتن جواب‌ها و بحث‌ها روی تخته مرور بحث و جمع‌بندی	پرورش ارزش‌های اخلاقی	خلق سؤال و پاسخ گروهی به آن از طریق توجه به جزئیات و تمثیل‌های به‌کارگرفته‌شده	آموزش مضامین اخلاقی موجود در باب هشتم بوستان سعدی با عنوان شکر بر عافیت	۲۳ ع
		ویژگی‌های اخلاقی یک بچه خوب از طریق پرورش قوه کل‌نگری	آموزش ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی از طریق داستان میمون فضول اثر مهدی آذربیدی، ارائه حکمت حکیمان و فیلسوفان از داستان گنجشک و خدا اثر هومن فتحی‌پور	۲۴ ع
حلقه کندوکاو گفتگوی نظامند نقد فیلم	پرورش ابعاد روانی و عاطفی	توجه به جزئیات و محبت ورزی به دیگران	خواندن رمان فلسفی باغ اسرارآمیز اثر فرانسیس هاجسون برنت	۲۵ ع
		امیدواری، سخت‌کوشی و مهرورزی به هم‌دیگر	تماشای فیلم آواز گنجشک‌ها اثر مجید مجیدی	۲۶ ع
گفتگو واحد کار	رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی	آشنایی با نقش زبان در تفکر	خواندن سومین ساده لوح اثر اسماعیل برادران شاهرودی	۲۷ ع

		تدوین یک گزارش خبری کنجکاوانه و مبتنی بر نوآوری	یادداشت نویسی خلاق در مورد کودکان کار	۳۰ روز
ایفای نقش گردش علمی و بازدید	پرورش آگاهی‌های فرهنگی	توجه به آداب و رسوم یک روستای خاص و تبیین مغایرت‌ها و تضادهای احتمالی	خواندن داستان بومی - محلی آن خمره اثر هوشنگ مرادی کرمانی	۱۰ روز
		پرورش قوه کل‌نگری در راستای احترام به میراث فرهنگی و توجه به خلاقیت‌های مردمان کهن	بازدید گروهی از موزه ملی ایران واقع در خیابان ۳۰ تیر تهران	۳۰ روز
سخنرانی و پرسش و پاسخ	بازگویی ضرورت و نحوه فلسفیدن در بخش‌های مختلف زندگی	جمع‌بندی جلسات پیشین	اجرای پس از آزمون	۱۳ روز

با اجرای برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان به منظور رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌توان اذعان داشت که به جهت برخورداری این برنامه‌درسی از ویژگی‌هایی هم‌چون آموختن تفکر، فلسفیدن و فلسفه‌ورزی، عاملی تأثیرگذار در تقویت توانایی استدلال، داوری، قدرت تشخیص، بهبود تفکر، حل مسایل فردی و اجتماعی، رشد تفکر انتقادی و تفکر خلاق دانش‌آموزان می‌باشد (Barrow 2015:76-87, Fair & et al 2015:18-37). به جهت اینکه طراحان الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان مدعی هستند که این الگوی برنامه‌درسی می‌تواند خلاقیت را افزایش دهد، بنابراین در این تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس، برای تعیین دستاورد آن در زمینه خلاقیت دو گروه به صورت پس‌آزمون و پیش‌آزمون مورد سنجش قرار گرفتند.

۴. یافته‌ها

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر بخشی مداخله بر روی متغیر وابسته

توان آزمون	مجذور اتا	معناداری	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	تفسیر
۱/۰۰۰	۰/۹۷۸	<۰/۰۰۰۵	۱۱۵۹/۶۶۰	۸۲۷۱۰/۰۵۶	۲	۱۶۵۴۲۰/۱۱۱	مدل اصلاح شده	توان
۱/۰۰۰	۰/۴۷۵	<۰/۰۰۰۵	۴۷/۹۱۷	۳۴۱۷/۵۴۰	۱	۳۴۱۷/۵۴۰	پیش آزمون	
۱/۰۰۰	۰/۹۷۷	<۰/۰۰۰۵	۲۲۳۸/۹۶۵	۱۵۹۶۸۹/۰۲۶	۱	۱۵۹۶۸۹/۰۲۶	گروه	
				۷۱/۳۲۳	۵۳	۳۷۸۰/۱۰۳	خطا	
۱/۰۰۰	۰/۸۹۹	<۰/۰۰۰۵	۲۳۴/۸۱۶	۱۳۲۲/۵۶۴	۲	۲۶۴۵/۱۲۸	مدل اصلاح شده	توان
۱/۰۰۰	۰/۷۴۵	<۰/۰۰۰۵	۱۵۵/۰۸۹	۸۷۳/۲۵۳	۱	۸۷۳/۲۵۳	پیش آزمون	
۱/۰۰۰	۰/۸۶۳	<۰/۰۰۰۵	۳۳۳/۲۸۳	۱۸۷۶/۶۱۰	۱	۱۸۷۶/۶۱۰	گروه	
				۵/۶۳۱	۵۳	۲۹۸/۴۲۶	خطا	
۱/۰۰۰	۰/۹۴۹	<۰/۰۰۰۵	۴۹۱/۳۹۸	۳۸۰۸/۳۰۵	۲	۷۶۱۶/۶۱۰	مدل اصلاح شده	توان
۱/۰۰۰	۰/۴۲۴	<۰/۰۰۰۵	۳۹/۰۱۰	۳۰۲/۳۲۴	۱	۳۰۲/۳۲۴	پیش آزمون	
۱/۰۰۰	۰/۹۴۴	<۰/۰۰۰۵	۸۹۰/۲۱۶	۶۸۹۹/۱۲۴	۱	۶۸۹۹/۱۲۴	گروه	
				۷/۷۵۰	۵۳	۴۱۰/۷۴۷	خطا	
۱/۰۰۰	۰/۹۳۹	<۰/۰۰۰۵	۴۱۰/۶۹۸	۲۵۴۶۰/۲۹۹	۲	۵۰۹۲۰/۵۹۷	مدل اصلاح شده	توان
۱/۰۰۰	۰/۴۷۸	<۰/۰۰۰۵	۴۸/۵۳۹	۳۰۰۹/۰۹۷	۱	۳۰۰۹/۰۹۷	پیش آزمون	
۱/۰۰۰	۰/۹۳۵	<۰/۰۰۰۵	۷۵۹/۳۳۳	۴۷۰۷۳/۱۳۴	۱	۴۷۰۷۳/۱۳۴	گروه	
				۶۱/۹۹۳	۵۳	۳۲۸۵/۶۱۷	خطا	
۱/۰۰۰	۰/۹۲۹	<۰/۰۰۰۵	۳۴۷/۹۰۴	۱۹۶۷/۵۵۱	۲	۳۹۳۵/۱۰۱	مدل اصلاح شده	توان
۱/۰۰۰	۰/۷۲۷	<۰/۰۰۰۵	۱۴۱/۴۷۲	۸۰۰/۰۸۳	۱	۸۰۰/۰۸۳	پیش آزمون	
۱/۰۰۰	۰/۹۲۴	<۰/۰۰۰۵	۶۴۳/۱۴۸	۳۶۳۷/۲۸۲	۱	۳۶۳۷/۲۸۲	گروه	
				۵/۶۵۵	۵۳	۲۹۹/۸۳۸	خطا	

پرسش اول: " آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد؟"

نتایج حاصل از سنجش خلاقیت که به معنای فرآیند حل کردن مشکلات و مسائل و اطلاعات و عناصر گم شده، چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه سازی، ارزیابی حدس‌ها و فرضیه‌ها و تجدید نظر کردن دوباره و آزمون نمودن آنها و بالاخره انتقال نتایج می باشد، به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش در دو زمان (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) در جدول (۲) نمایش داده شده است. برای آزمون سوال فوق از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک متغیره، جهت مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. قبل از اجرای آزمون از برقراری مفروضه‌های بنیادی این آزمون (نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس‌ها، برابری شیب رگرسیونی) اطمینان حاصل شد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش خلاقیت در تفکر دانش آموزان می شود. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P < 0/0005$). به بیان دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تاثیر اجرای اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر متغیر وابسته (خلاقیت)، معنادار است. همچنین می توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان کننده ی این مطلب است که خلاقیت مشارکت کنندگان (پاسخگویان) در قبل از اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان و بعد از اجرای دوره به طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور اتا، می توان گفت ۹۷/۷ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. قابل ذکر است، با توجه به این که توان آماری ۱/۰۰۰ است، می توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می نماید. نتایج نشان داد که، اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش خلاقیت در تفکر دانش آموزان می شود. پرسش دوم: " آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر انعطاف پذیری دانش‌آموزان تاثیر می گذارد؟"

نتایج حاصل از سنجش میزان انعطاف پذیری که شامل استعداد تولید ایده‌ها یا روش‌های بسیار گوناگون و یا توانایی تفکر در مورد راه‌های مختلف برای حل مساله جدید می باشد، به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش در دو زمان (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) در جدول (۲) نمایش داده شده است. برای آزمون سوال فوق از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک متغیره، جهت مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. قبل از اجرای آزمون از برقراری مفروضه‌های بنیادی این آزمون (نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس‌ها، برابری شیب رگرسیونی) اطمینان حاصل شد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش انعطاف پذیری در تفکر دانش آموزان می شود. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ است ($P > 0/0005$). به بیان دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تاثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر متغیر وابسته (انعطاف پذیری)، معنادار است. همچنین می توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان کننده ی این مطلب است که انعطاف پذیری مشارکت کنندگان (پاسخگویان) در قبل از اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان و بعد از اجرای دوره به طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور اِتا، می توان گفت ۸۶/۳ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. قابل ذکر است، با توجه به این که توان آماری ۱/۰۰۰ است، می توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می نماید. نتایج نشان داد که اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش انعطاف پذیری در تفکر دانش آموزان می شود.

پرسش سوم: " آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر ابتکار دانش آموزان تاثیر می گذارد؟ "

نتایج حاصل از سنجش میزان ابتکار که به معنای دور شدن از چیزهای واضح و معمولی و یا قطع رابطه با تفکر مبتنی بر عادت یا به عنوان استعداد تولید ایده های بدیع، غیر عادی و تازه می باشد، به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش در دو زمان (پیش آزمون، پس آزمون) در جدول (۲) نمایش داده شده است. برای آزمون سوال فوق از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک متغیره، جهت مقایسه میانگین ها استفاده شد. قبل از اجرای آزمون از برقراری مفروضه های بنیادی این آزمون (نرمال بودن توزیع داده ها، همگنی واریانس ها، برابری شیب رگرسیونی) اطمینان حاصل شد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش ابتکار در تفکر دانش آموزان می شود. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ است ($P < 0/0005$). به بیان دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تاثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر متغیر وابسته (ابتکار)، معنادار است. همچنین می توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان کننده ی این مطلب است که ابتکار مشارکت کنندگان (پاسخگویان) در قبل از اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان و بعد از اجرای دوره به طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور اِتا،

می توان گفت ۹۴/۴ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. قابل ذکر است، با توجه به این که توان آماری ۱/۰۰۰ است، می توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می نماید. نتایج نشان داد که اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش ابتکار در تفکر دانش آموزان می شود.

پرسش چهارم: "آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر بسط دانش آموزان تأثیر می گذارد؟"

نتایج حاصل از سنجش میزان بسط که توانایی تکمیل یک فکر و افزودن جزئیات وابسته به آن است به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش در دو زمان (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) در جدول (۲) نمایش داده شده است. برای آزمون سوال فوق از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک متغیره، جهت مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. قبل از اجرای آزمون از برقراری مفروضه‌های بنیادی این آزمون (نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس‌ها، برابری شیب رگرسیونی) اطمینان حاصل شد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش بسط در تفکر دانش آموزان می شود. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P < 0/0005$). به بیان دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر متغیر وابسته (بسط)، معنادار است. هم‌چنین می‌توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان‌کننده‌ی این مطلب است که بسط مشارکت کنندگان (پاسخگویان) در قبل از اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان و بعد از اجرای دوره به طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور اتا، می توان گفت ۹۳/۵ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. قابل ذکر است، با توجه به این که توان آماری ۱/۰۰۰ است، می توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می نماید. نتایج نشان داد که اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش بسط در تفکر دانش آموزان می شود.

پرسش پنجم: "آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر سیالی دانش آموزان تأثیر می گذارد؟"

نتایج حاصل از سنجش میزان سیالی به معنای توجه به تعداد پاسخ‌های مربوط به یک تکنیک تعیین شده و یا عبارتی استعداد تولید ایده‌های فراوان است به تفکیک دو گروه کنترل و آزمایش در دو زمان (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) در جدول (۲) نمایش داده

شده است. برای آزمون سوال فوق از آزمون آماری تحلیل کواریانس تک متغیره، جهت مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. قبل از اجرای آزمون از برقراری مفروضه‌های بنیادی این آزمون (نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس‌ها، برابری شیب رگرسیون) اطمینان حاصل شد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش سیالی در تفکر دانش آموزان می‌شود. زیرا مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P < ۰/۰۰۰۵$). به بیان دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تاثیر اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر متغیر وابسته (سیالی)، معنادار است. هم‌چنین می‌توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان‌کننده‌ی این مطلب است که سیالی مشارکت‌کنندگان (پاسخگویان) در قبل از اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان و بعد از اجرای دوره به طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور اتا، می‌توان گفت ۹۲/۴ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر اجرای دوره است. قابل‌ذکر است، با توجه به این که توان آماری ۱/۰۰۰ است، می‌توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می‌نماید. نتایج نشان داد که اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش سیالی در تفکر دانش آموزان می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه تحلیل داده‌ها می‌توان ادعان داشت که الگوی برنامه درسی طراحی شده فلسفه برای کودکان توسط نوریان و کنعانی (۱۳۹۸: ۹۰) در جهت رشد خلاقیت دانش‌آموزان الگویی مطلوب است. عناصر برنامه درسی این الگو از ویژگی‌های خاصی برخوردار می‌باشد. زیرا دارای اهدافی همچون پرورش حس زیبایی‌شناسی، پرورش ابعاد روانی و عاطفی، رشد مهارت‌های زبانی، رشد مهارت‌های شناختی، پرورش آگاهی‌های فرهنگی، پرورش مهارت‌های اجتماعی و پرورش ارزش‌های اخلاقی و همچنین محتوایی که برگرفته از مضامین اخلاقی و آرمان‌های انسانی موجود در داستان‌های کلاسیک ادب فارسی، بهره‌گیری از نمایشنامه‌های تخیلی همراه با موسیقی، استفاده از رمان‌های فلسفی، فیلم‌هایی با محتوای عاطفی، کتاب‌های داستانی منطقی با متن ساده به مشکل، معماهای کودکانه، توجه به اخبار روزنامه‌ها و مجلات و داستان‌های محلی اجتماعی می‌باشد و روش‌های تدریسی که در این الگو از آن‌ها بهره‌گرفته شده شامل

حلقه های گفتگو و جستجوگری، رمان خوانی، یادداشت برداری از مباحث، بحث گروهی، تفحص گروهی، پرسش و پاسخ، بارش مغزی و روایتگری ایفای نقش می باشد. ارزشیابی در این الگو نیز به صورت توصیفی، خود ارزیابی دانش آموزان از خود، ثبت و ارائه گزارش ها از فعالیت ها و مشاهدات معلم از فعالیت های یادگیری آنان در نظر گرفته شده است. بنابراین با استفاده از این الگو به جهت توانایی افکندن نوری تازه بر یک موقعیت یا یک مساله، امکان دستیابی به راه حل های جدیدی مهیا می شود که پیش از این آشکار نبوده اند. در نتیجه با بهره گیری از این الگوی برنامه درسی بجای یادگیری صرف از طریق حفظ دانش و اطلاعات، به فرآیند و نحوه ی یادگیری توجه می شود که این خود عاملی مهم در مهیا نمودن زمینه ی دستیابی به خلاقیت است.

در این راستا برای پاسخ به پرسش اول پژوهش که آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش آموزان می گذارد؟ بنا به شاخص اثر به دست آمده می توان بیان داشت که ۹۷/۷ درصد تغییرات در خلاقیت متأثر از برنامه درسی فلسفه برای کودکان بوده است. نظرات دولی (Duli, 2019:136-140)؛ رایت و جونز (Wright & Jones, 2018:8-13)؛ کیونگ هی (Kyung Hee, 2020:119-128) و امامی (۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۴۷) نیز مبین همین امر است که آموزش فلسفه در برنامه درسی ابتدایی به کودکان عاملی موثر در پرورش مهارت های تفکر و بالابردن سطح مهارت های تفکر یعنی خلاقیت می باشد. زیرا با فراهم آوردن فرصت ها، تجارب و چالش ها برای تفکر پیرامون مسایل پیش آمده در زندگی می توان فراگیران را وادار به اندیشیدن نمود. هم چنین کاساکین و کریتلر (Casakin & Kreitler, 2011:159-168) و حسینی (۱۳۸۹) نیز در این زمینه معتقدند توجه به رشد خلاقیت بعنوان مهم ترین و اساسی ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی ترین عامل ایجاد ارزش ها بشمار می آید که در همه ی ابعاد و جوانب زندگی نقش کاملاً حیاتی را ایفا می نماید. زیرا با بکارگیری کامل توانایی های ذهنی می توان برای ایجاد اندیشه یا راه حل یا مفهوم نواز طریق الهام گرفتن و تشابه سازی و کنکاش در موضوعات گام برداشت. مطابق نظر ناجی (۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۲۳)؛ لیپمن (Lipman, 1991)؛ گراد (Gorad, 2017:5-22) و بدری (۱۳۹۴: ۱۸-۱) با وارد کردن نگاه فلسفی به زندگی روزمره کودکان می توان آنها از طریق چالش ها، تفکر اصولی و تعامل ساختاری به عمل وادار نمود و با تقویت توانایی های ذهنی و استدلالی و قوه قضاوت صحیح در فراگیران، روحیاتی هم چون کنجکاوی، تقویت قوای منطقی و تحلیلی بعبارتی اهداف شناختی در

دوران کودکی تقویت می شود. تحقیقات حسینی (۱۳۹۵)؛ اکورییتی (e Corinti, 1386) و اعلامی (۱۳۸۵) نیز مبین آن است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان، مهارت های ارتباطی کودکان را هم رشد می دهد به گونه ای که آن ها می توانند به زیبایی صحبت کنند، و با تحمل بالا خوب گوش دهند. به عبارتی فلسفه به آنها زبان گفت و گو و چگونگی برقراری ارتباط را می آموزد و یاد می دهد افرادی با اخلاق باشند و مسئولیت اعمال و عقاید خود را بپذیرند. همچنین به سبب توجه به طرح موضوعات متناسب با علایق کودکان آنها را به کنجکاوی بیشتر پیرامون موضوعات طرح شده بیشتر برمی انگیزد تا رغبت بدنبال پاسخ پرسش های خود برونند و به راه حل ها و جواب های متعدد دست یابند (به نقل از صادقی هاشم آبادی و علوی، ۱۳۹۳: ۷۸-۵۹).

برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش که آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر انعطاف پذیری دانش آموزان تاثیر می گذارد؟ با توجه شاخص اثر به دست آمده ۸۶/۳ درصد تغییرات در انعطاف پذیری متأثر از برنامه درسی فلسفه برای کودکان بوده است. در همین راستا دلمپیو و تسچرز (D'Olimpio & Teschers, 2016:114-124)، خانیان (۱۳۸۷: ۶۷)؛ همتی فر و آهنچیان (۱۳۹۲: ۴۸-۲۵) و مهدی زاده و همکاران (۱۳۹۷: ۲۱۶-۱۹۳) نیز بر این عقیده اند که آموزش برنامه درسی فلسفه برای کودکان توانایی ذهنی ویژه ای در کودکان ایجاد می کند که برای سوالات خود با راه حل های متنوع به جواب برسند و پاسخ های متنوعی نیز برای سوال خود داشته باشند و این امر باعث ایجاد توانایی تفکر به راه های مختلف برای حل مسائل جدید نیز می شود. یعنی دانش آموزان را قادر می سازد به لحاظ تنوع آراء و به اشتراک گذاشتن اندیشه ها و استفاده از تجربیات گوناگون الگویی جدید برای اندیشیدن طراحی کنند. البته در همین زمینه بیالستوک (Bialystok, 2017:827-836)، مکایو و تاناکا (Makaiau & Tanaka, 2018:29-54) و شاه نعمتی و همکاران (۱۳۹۶: ۱۰۰-۷۹) به کارگیری شیوه هایی همچون پرسیدن سوالات محرک و چالش برانگیز، تشویق به مناظره و مباحثه، استفاده از مسابقه سرگرمی، شبیه سازها، انتقاد کردن، وجود فضایی شاد و بدون اضطراب امکان جستجو و اکتشاف و اندیشیدن را برای کسب راه حل های متعدد فراهم می کند.

به منظور پاسخ به پرسش سوم پژوهش که آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر ابتکار دانش آموزان تاثیر می گذارد؟ شاخص اثر به دست آمده حاکی از آن است که ۹۴/۴ درصد تغییرات در ابتکار متأثر از برنامه درسی فلسفه برای کودکان بوده است.

در تایید این امر نظرات موریس (Murris, 2016:63-78)؛ النف، ریف و تروات (Eltef, Reef & Terwhat, 2008) و سجادیان و همکاران (۱۳۹۳: ۸۰-۶۳) در رابطه با تبیین برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان معتقدند که با ایجاد فضای فکری نوه‌مراه با عدم تعصب نسبت به منابع خاص، می‌توان زمینه‌ای را برای دانش‌آموزان فراهم نمود که بتوانند با توجه به علایق و نیازهای گوناگونی کنجکاوانه به مطالعه مطالب بپردازند. بدین ترتیب آنان می‌توانند تفکر و ایده‌های گذشته خود را به چالش بکشند و حرفی نو و ایده‌های تازه‌ای برای ارائه کردن داشته باشند. دستاورد مهم دیگر اینکه آنان قادر خواهند شد که پذیرای تفکرات نو و بدیع دیگران نیز باشند. در تایید این امر فرخانی (۱۳۹۵: ۱۰۷)، قائدی (۲۰۱۲) و جینا (Gina, 2014) نیز معتقدند که برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان به سبب بررسی موضوعات و یا داستان‌های متنوع با اتکاء به قوه تفکر کودکان این امکان را فراهم می‌آید که بتوان از راهبرد‌های متنوع برای یادگیری به منظور پاسخگو نمودن کودکان در قبال یافته‌هایشان استفاده نمود که این امر عاملی موثر در بهبود مسئولیت‌پذیری، استقلال، ارائه ایده‌های بدیع، نقادانه و خلاقانه و افزایش درک و فهم فراگیران می‌باشد. در این رابطه به نظر سروس (۱۳۹۶: ۶۴)؛ وان‌زیگل (Vansieleghem, 2014:1300-1310) و کوهن (Kohan, 2018:615-629) هم به دلیل رویارویی کودکان با مجهولات، مشکلات و معماهای متعدد موجود در موضوعات آنان خود می‌توانند کنترل یادگیری خود را در دست گیرند و برای رسیدن به پاسخ‌ها کنجکاوی و ممارست به خرج می‌دهد تا بتوانند راه‌های تازه بیافرینند. در واقع از این طریق آنان به افزایش عامل اصالت (ابتکار) خود دست می‌زنند.

برای پاسخ به پرسش چهارم پژوهش که آیا برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر بسط دانش‌آموزان تأثیری گذارد؟ بنا به شاخص اثر به دست آمده ۹۳/۵ درصد تغییرات در بسط متأثر از برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بوده است. در تایید این یافته تحقیقات رایت و جونز (Wright & Jones, 2018:8-13)؛ یاری دهنوی (۱۳۹۴: ۵۴) و هدایتی (۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۰۵) مبین آن است که برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان مطالب و داستان‌ها را با تمام جزئیات و به طور مفصل در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و همچنین با پرداختن به جزئیات در شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی و خیالی می‌تواند دانش‌آموزان را به سمت ریزینی ودقت در جزئیات سوق داد و به نوعی به توانایی تفکر بسط آن‌ها کمک نمود. یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۹۶: ۲۵۰-۲۲۵)؛ سانتروک (Santrock, 2013) و کوپف (Koupf, 2017:1-14) نیز بازگو کننده همین مطلب است که با اجرای برنامه‌درسی فلسفه

برای کودکان این امکان برای آنان مهیا می‌گردد که خود بتوانند علائق و تمایلات، نیازهای خود را بهتر و دقیق‌تر بشناسند در برابر مسایل پیش آمده با دقت بیشتری تصمیم‌گیری نمایند. و در قبال نظراتشان احساس مسئولیت کنند و در هنگام بحث و تبادل نظر از یافته‌های خود با استدلال‌های دقیق تری دفاع کنند و نسبت به پیامدهای یادگیری خود ارزیابی مداوم داشته باشند.

به منظور پاسخ به پرسش پنجم پژوهش که آیا برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر سیالی دانش‌آموزان تأثیری گذارد؟ با توجه به شاخص اثر به دست آمده ۹۲/۴ درصد تغییرات در سیالی متأثر از برنامه درسی فلسفه برای کودکان بوده است. در تایید این یافته تحقیقات گاملاتش (Gamlath, 2008)؛ مهرمحمدی (۱۳۸۹: ۲۰-۵) و جمشیدی (۱۳۹۱: ۴۰-۳۸) نیز بیانگر آن است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که با پاسخ‌های گوناگون در برابر سؤالات خود مواجه شوند و محدودیتی در ارائه پاسخ خود به سؤالات مطرح شده نداشته باشند و ایده‌های خود را به دیگران عرضه نمایند تا به سبب تعامل با دیگران و آشنایی با تفکرات آنان قادر به تولید اندیشه‌های فراوان و ارائه راه‌حل‌های متعدد در حل مسأله گردند در نتیجه این امر منجر به بهبود توانایی تفکر سیالی دانش‌آموزان می‌شود. عزیزی (۱۳۹۲)؛ بیتو (Beghetto, 2007: 1-9)؛ دورین و کورب (Dorin & Korb, 2009) و مک‌نایت (McKnight, 2018: 222-238) نیز معتقدند این که دانش‌آموزان در برنامه درسی فلسفه برای کودکان خود بنا به تمایلات و علائق با نگاهی جستجوگرانه با مسایل مواجهه می‌شوند، می‌تواند عاملی مهم در ایجاد انگیزه و رغبت برای یادگیری فراگیران باشد. از سویی نیز به سبب توجه به چگونه آموختن بجای چه آموختن می‌تواند به دانش‌آموزان در جهت نیل به ارائه نظرات و ایده‌های متعدد برای غلبه به مشکلاتی که در فرایند یادگیری رخ می‌دهد گامی موثر باشد.

با عنایت به آنچه در تبیین یافته‌های این پژوهش ذکر شد و همچنین با توجه به این‌که آموزش و پرورش حوزه‌ای است که همواره در حال تغییر و تطبیق است اگر جامعه‌ای می‌خواهد یادگیرندگانی منتقد، پویا و خلاق داشته باشد می‌بایست که نظام آموزشی آن به برنامه درسی که برانگیزنده تفکر و استدلال باشد توجه کند تا توانمندی‌های کودکان به درستی پرورش یابد. در این زمینه برنامه درسی فلسفه برای کودکان باعث می‌شود تا دانش‌آموزان با نگاهی جستجوگرانه همراه با تفکر آگاهانه و منطقی توأم با رعایت

شوونات اخلاقی به سخنان دیگران گوش فرا دهند مطالعه کنند بیاموزند و کنکاش و جست‌وجو را تا جایی ادامه می‌دهند که به نتیجه برسد نه تا جایی که مرز مقررات درسی تعیین نموده است. بدین ترتیب آنان می‌آموزند که در سایر امور زندگی نیز در هنگام مواجهه با مسایل واقعی و جدید از مطالبی که آموخته‌اند برای ارائه راه حل مناسب در زندگی خود بهره ببرند. بنابراین برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان با مهیا نمودن بستر تفکر صحیح به جای انباشتن حقایق با تقویت اندیشیدن و کنجکاوی، اعجاب کودکان را برمی‌انگیزد تا بصورت نقادانه بیان‌دیشند به توانمندی‌ها و آگاهی‌های خود بیافزاید و با خلاقیت رشد یافته به حل مسایل بپردازند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله تداخل برنامه‌های مدرسه با اجرای برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان که در هر مدرسه ممکن است نتیجه تحقیق را تحت تاثیر قرار دهد همچنین علاقه مفرط دانش‌آموزان به استفاده از آموزش علوم سنتی و علاقمندی آنان به دریافت کلیه مطالب آموزشی از محدودیت‌های پیش روی بوده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در همین راستا در گروه‌های بزرگ‌تر، پایه‌های دیگر تحصیلی، در شهرهای دیگر و در هر دو جنس جهت تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج، صورت پذیرد.

کتاب‌نامه

- اسدی، نسترن (۱۳۸۹). شناخت و آموزش خلاقیت در مدارس (فردا دیر است). چاپ چهارم. تهران: عابد
- اکوریتی، استلا (۱۳۸۶). آموزش چگونه فلسفی اندیشیدن: درآمدی بر فلسفه برای کودکان. ترجمه زهرا صفائیان. تهران: فکر نو.
- امامی، حسام (۱۳۹۰). بررسی رویکردهای مختلف در برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه‌درسی رسمی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی. ۷ (۲)، ۱۷۵-۱۴۷.
- امیریان، توران (۱۳۹۶). مقایسه اثر بخشی روش‌های مختلف آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم.
- بدری‌گرگری، رحیم، واحدی، زهرا (۱۳۹۴). «تأثیر اجرای برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، دو فصلنامه تفکر و کودک، سال ششم، شماره ۱، صص ۱-۱۸.

- پورتقی، وحیدرضا (۱۳۹۲). اثر بخشی اجرای دوره فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش آموزان پسر دوم راهنمایی شهر تهران. رساله دکتری. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- تاجداری، محمدحسن (۱۳۹۵). مقایسه ی تاثیر روش تدریس همیارانه با روش کاوشگری بر خلاقیت دانش آموزان پسر در درس علوم تجربی پایه ی سوم ابتدایی منطقه ی چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
- جعفری، زهره؛ صمدی، پروین و قائدی، یحیی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۲ (۱۷)، ۴۹-۴۱.
- جلالی، علی اکبر، عباسی، محمد علی. (۱۳۸۳). فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش سایر کشورهای دنیا، مجموعه مقالات همایش برنامه ریزی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات در تهران
- جمشیدی، فریبا (۱۳۹۱). برنامه درسی و تفکر خلاق. فصلنامه رشد تکنولوژی آموزشی. ۲۸ (۱)، ۴۰-۳۸.
- حسینی، زهره (۱۳۹۵). هدف اصلی طرح فلسفه و کودک. تهران: تسنیم.
- خانپان، محمد (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در سازمان های آموزشی. تهران: رسانه تخصصی.
- رستمی، کاوه؛ فیاض، ایراندخت و قاسمی، امید (۱۳۹۵). تاثیر داستان های فکری فیلپ کم بر رشد خلاقیت کودکان دوره آمادگی شهر تهران. فصلنامه روان شناسی تربیتی. ۱۲ (۴۱)، ۱۳-۱.
- رستمی، کاوه؛ رحیمی، ابراهیم؛ رستمی، ویدا؛ هاشمی، سپیده. (1391). بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه فلسفه برای کودکان بر خلاقیت کودکان، تفکر و کودک، 3، 65-49.
- رضایی، نورمحمد؛ پادروند، نادر؛ سبحانی، عبدالرضا؛ رضایی، علی محمد (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش خلاقیت و مولفه های سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۴ (۲)، ۳۶-۱۹.
- ستاری، محمد (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی مجری برنامه فلسفه برای کودک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران نسبت به محتوا و روش اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
- سجادیان، نرگس؛ قائدی، یحیی؛ امیری، معصومه (۱۳۹۳). طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی. فصلنامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. ۱۱ (۱)، ۸۰-۶۳.
- سروش، سمانه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط میان آموزش فلسفه به کودکان و تربیت شهروند جهانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- شاه نعمتی، زهرا، سعادت مند، زهره و کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۶). «تحلیل روش های تدریس هنر به منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۷۹-۱۰۰.

تأثیر برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان ... (ستاره کنعانی هرندی و دیگران) ۲۲۷

صادقی هاشم آبادی، محمد، علوی، محمدکاظم (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲، صص ۵۹-۷۸.

صباغ حسن زاده، طلعت (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. رساله دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

عزیزی، ژیلدا (۱۳۹۲). آموزش هنر و خلاقیت دوم دبستان. تهران: واله.

فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۶). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. تهران: بال.

فرخانی، فریبا (۱۳۹۵). تأثیر آموزش فلسفه بر مهارت کلامی، تفکر انتقادی و خلاقیت در کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

قاسمی، لیلی؛ سعیدی، علی و خرازیان، لاله (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش بر مبنای حواس پنج‌گانه بر افزایش خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۷(۱)، ۲۵۰-۲۲۵.

قائدی، یحیی (۱۳۸۸). برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره راهنمایی و متوسطه. فصلنامه فرهنگ. (۶۹)، ۱۰۸-۸۳.

قائدی، یحیی (۱۳۹۵). آموزش فلسفه به کودکان، بررسی مبانی نظری. تهران: دواوین.

قبادیان، مسلم (۱۳۹۴). تأثیر برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های تربیتی. (۳۰)، ۱۴۸-۱۳۸.

کدیور، پروین (۱۳۸۴). روان‌شناسی اخلاق. تهران: آگاه.

کنعانی هرندی، ستاره؛ نوریان، محمد (۱۳۹۸). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان با رویکرد رشد خلاقیت. رساله دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

موسی‌پور، نعمت‌اله (۱۳۹۵). مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه. مشهد: به‌نشر.

مهدی‌زاده، امیرحسین؛ عراقیه، علیرضا و حیدریه، حسین (۱۳۹۷). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش بهارستان. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۸(۳)، ۲۱۶-۱۹۳.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). بازشناسی مفهوم و تبیین جایگاه تخیل در برنامه‌های درسی و آموزش با تأکید بر دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۰(۳۹)، ۲۰-۵.

ناجی، سعید، قاضی‌نژاد، پروانه (۱۳۸۶). بررسی نتایج برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان روی مهارت‌های استدلال و عملکرد رفتاری کودکان، فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی، ج ۲، ش ۷

هاشمی مقدم، سید شمس الدین. (۱۳۸۷). رشد فرایند شناختی رویکردی موثر در جهت پرورش نیروی تفکر. مقالات ارائه شده در همایش برنامه ریزی درسی و پرورش تفکر، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش فلسفه به روش کندوکاو فلسفی بر میزان خلاقیت و آگاهی فراشناختی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم ابتدایی ناحیه یک شهر همدان در سال تحصیلی ۹۱-۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور همدان.

هدایتی، مهنوش (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی دوره‌های تربیت مربی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران و کشورهای پیشرو و ارائه الگوی مناسب برای ایران»، فصلنامه تفکر و کودک، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۳۸.

همتی فر، مجتبی؛ آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲). ارائه الگوی ارزیابی سازواری نظریه ترکیبی در فلسفه تعلیم و تربیت؛ بررسی موردی سازواری فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران در سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت. ۳ (۲)، ۴۸-۲۵.

یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۴). مجموعه آموزش مربی فلسفه برای کودکان و نوجوانان جلد اول: درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Barrow, W (2010). Dialogic, Participation and the Potential for Philosophy for Children. *Thinking Skills and Creativity*. 5 (2); 61-69.

Barrow, W (2015). 'I think she's learnt how to sort of let the class speak': Children's perspectives on Philosophy for Children as participatory pedagogy. *Thinking Skills and Creativity*, Vol 5, No 17. PP 76-87.

Beghetto, R. A (2007). Does creativity have a place in classroom discussions? Prospective teachers' response preferences. *Thinking Skills and Creativity*, 2 (1), 1-9.

Bialystok, L (2017). Philosophy across the Curriculum and the Question of Teacher Capacity; Or, What Is Philosophy and Who Can Teach It?. *Journal of Philosophy of Education*, 51 (4), 827-836.

Casakin, H, Kreidler, S (2011). The cognitive profile of creativity in design. *Journal of Thinking Skills and Creativity*, 6 (3); 159-168.

D'Olimpio, L, Teschers, C (2016). Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life. *Philosophical Inquiry in Education*, 23 (2), 114-124

Dorin, A., & Korb, K. B (2009). Improbable creativity. In Dagstuhl seminar proceedings. Schloss Dagstuhl-Leibniz-Zentrum für Informatik.

Duli, P (2019). Creativity in Modern Education, *World Journal of Education*, 9 (2); 136-140.

Einon, Dorothy (2002). *Creative child*. New York: Wiley.

Fair, F, Haas, L, Carol, G, Daphne D, Debra P, Olena, L (2015). Socrates in the schools from Scotland to Texas: Replicating a study on the effects of a Philosophy for Children program, *Journal of Philosophy in Schools*, Vol 2, No 1. PP 18-37.

- Fisher, R (1998) "Teaching Thinking, Philosophical Inquiry in the Classroom", London: Cassle.
- Gamlath S, L. G. (2008). Creativity in Teaching and Learning: A Global Economic Perspective. Thames Vally University
- Ghaedi, Y (2012). Teaching Philosophy to Children- investigating theoretical principles. Tehran: Merat.
- Gina, D (2014). Classroom Culture Promotes Academic Resiliency. <http://dx.doi.org/10.1177/0031721714553408>
- Gorard, S, Siddiqui, N, See, B,H (2017). Can "Philosophy for Children" Improve Primary School Attainment?. *Journal of Philosophy of Education*, 51(1), 5-22.
- Green, L, Condy, J (2016). Philosophical Enquiry as a Pedagogical Tool to Implement the CAPS Curriculum: Final-Year Pre-Service Teachers' Perceptions. *South African Journal of Education*, 36(1), 1-8.
- Kohan, WO (2018). Paulo Freire and Philosophy for Children: A Critical Dialogue. *Studies in Philosophy and Education*, Vol 37, No 6. PP 615-629.
- Kottalil, N (2009). Meaning Making and Self- evaluation. *School Psychology Review*.32,315-327.
- Koupf, D (2017). Proliferating Textual Possibilities: Toward Pedagogies of Critical-Creative Tinkering. *Composition Forum*. 3 (1); 1-14.
- Kyung Hee, K (2020). Demystifying Creativity: What Creativity Isn't and Is?, *Journal of Roeper Review*, 41(2), 119-128.
- Lipman, M (2003). *thinking in Education*. Cambridge University, press.
- Lipman, Matthew(1991). *Thinking in Education*, Cambridge, Massachusetts: CambridgeUniversity Press.
- Makaiau, A, Tanaka, N (2018). Philosophy for Children: A Deliberative Pedagogy for Teaching Social Studies in Japan and the USA. *Journal of International Social Studies*, Vol 8, No 2. PP 29-54.
- McKnight, L (2018). Curriculum as Colour and Curves: A Synthesis of Black Theory, Design and Creativity Realised as Critical Curriculum Writing. *Gender and Education*. 30(2), 222-238.
- Murris, K (2016). The Philosophy for Children Curriculum: Resisting 'Teacher Proof' Texts and the Formation of the Ideal Philosopher Child. *Studies in Philosophy and Education*. 35(1), 63-78.
- Octavian, R (2016). P4c an ideal tool for children to stimulate thinking skills. Thesis in west university of timisoars.
- Parker, J (2008). *The Impact of Visual Art Instruction On Student Creativity*. Unpublished Doctoral Dissertation: Walden University.
- Santrock, J. W (2013). *Educational psychology*. New York, McGraw-Hill Education.
- Torrance, E, P (1974). *The Torrance Tests of Creative Thinking: Norms-Technical Manual*. Princeton, NJ: Personal Press.
- Torrance, E. P. & Goff, K (1989). A Quiet Revolution. *Creative Behavior*, 23, 136-145.

- Vansieleghem, N (2014). What Is Philosophy for Children? From an Educational Experiment to Experimental Education. *Educational Philosophy and Theory*. 46 (11); 1300-1310.
- Venter, E., G. Higgs, L (2014). Philosophy for Children in a Democrati Classroom. *The Social Science Journal*, Vol 41, No 1. PP 11-16.
- Worley, P (2016). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, (72), 119-120
- Wright, G, Jones, M (2018). Innovation in the Elementary Classroom. *Technology and Engineering Teache*. 77(5): 8-13.